

تبیین زمینه‌ها و مؤلفه‌های جغرافیایی - فرهنگی ظهور و فراگیری مذهب تشیع در ایران

دکتر سیدعباس احمدی^۱، دکتر محمود واثق^۲،
دکتر احسان لشکری^۳، بنت‌الهدی فرایی^۴

چکیده

بررسی زمینه‌ها و مؤلفه‌های جغرافیایی - فرهنگی که در ایجاد، ثبات و گسترش حکومت‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند همواره مورد علاقه و توجه محققان بوده است. با توجه به اینکه هر ملت بر اساس جغرافیای فرهنگی ویژه خود، تفکر، مذهب، جهان‌بینی و ایدئولوژی خویش را تعریف و پی‌گیری می‌نماید، مطالعه این تفاوت‌های مکانی در مناطق و کشورهای مختلف دارای اهمیت است. در این پژوهش، مؤلفه‌های فرهنگی مهمی نظیر تأثیر امامان و امامزادگان، علما و خاندان‌های مذهبی؛ تأثیرات متقابل جغرافیای انسانی و طبیعی مکان‌های با هویت شیعی و یا ایرانی بر روی یکدیگر؛ استحکامات طبیعی و فاصله‌های فیزیکی فضاها و همین‌طور تأثیر جغرافیایی - سیاسی دولت‌های شیعی مورد مطالعه قرار گرفته و نقش جغرافیا و فرهنگ حاصل از آن در رسمی شدن مذهب شیعه در ایران تبیین می‌شود. این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی بوده و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. منابع اطلاعاتی این تحقیق را مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات، مطالب موجود در فضای مجازی) و مصاحبه با کارشناسان تشکیل داده‌اند. با مطالعه بر روی جغرافیای طبیعی و فرهنگی ایران، جغرافیای تاریخی - سیاسی ایران و جریانات فکری - فرهنگی، این نتیجه به دست می‌آید که زمینه‌ها و مؤلفه‌های جغرافیایی - فرهنگی سرزمین ایران نقش مستقیمی در ظهور و فراگیری مذهب تشیع در این سرزمین ایفا کرده‌اند.

کلیدواژگان: جغرافیا، مذهب، فرهنگ، تشیع، ایران.

۱. استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه یزد

۴. دانشجوی جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

مقدمه

موضوع این پژوهش تشریح چگونگی رسمی شدن مذهب شیعه در ایران با توجه به زمینه‌ها و مولفه‌های جغرافیایی- فرهنگی است. با دقت در ریشه‌یابی این زمینه‌ها و مؤلفه‌ها، مشخص می‌شود که قدمت آنها طولانی است. در رویکردی تاریخی، باید علقه ایرانیان به اسلام را حتی به پیش از فتح سرزمین ایران توسط مجاهدین مسلمان بازگرداند. چنانکه پیش از این، ایرانیان مقیم یمن از جان و دل اسلام را پذیرفتند و در ترویج شریعت کوشش نمودند و حتی در راه اسلام و مبارزه با دشمنان پیامبر ص از جان گذشتند (مطهری، ۱۳۶۲: ۸۰). بدین معنا اسلام روح مردم را تحت‌تأثیر و نفوذ معنوی خود قرار داد. گوستاو لوبون شریعت و آیین اسلام را از این حیث در میان مکاتب گوناگون بی‌نظیر قلمداد می‌کند. از سوی دیگر مردم ایران نیز در میان همه مللی که اسلام آورده‌اند، از امتیاز خاصی برخوردار بودند و آن اینکه ایران به سهولت نظام فکری پیشین خود را به حاشیه رانده و با جدیت و عشق، خود را در نظام اعتقادی جدید باز تعریف کرد. دوزی مستشرق معروف هلندی، ایرانیان را مهم‌ترین قومی می‌داند که تغییر مذهب داده‌اند؛ زیرا آنها اسلام را نیرومند و استوار نمودند نه عرب را (همان، ۱۶۳).

به هر حال یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران تاریخ ایران (ایرانی و غیرایرانی) مسئله تشیع در ایران است. از آنجا که مردم ایران در زمان خلافت خلیفه دوم به اسلام گرویده‌اند، به‌طور سنتی باید گرایش‌های سنی می‌داشتند و مذهب تسنن را اختیار می‌کردند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۳۶). در حالی که مذهب اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران تشیع است و ایران در حال حاضر بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشور شیعه جهان است.

حرکت فکری و فرهنگی ایرانیان به سمت تشیع نیز امری جالب توجه است. ایرانیان در گستره جغرافیای فرهنگی خویش حکومت‌های شیعی را شکل داده‌اند. این نوع تشکیل حکومت نه از زمان صفوی بلکه بسیار قبلتر از آنان آغاز شده است.

با توجه به مستندات تاریخی، اولین بار در حکومت ایلخانان مغول بود که تلاش برای رسمی‌سازی تشیع آغاز شد. تشیع سلطان محمد خدابنده، نقطه عطفی در تاریخ تشیع بود و موجب استحکام و رونق تشیع در این عصر و در نهایت، زمینه‌ساز رسمیت یافتن آن در زمان صفویان شد. به دستور خدابنده، علاوه بر ضرب سکه به نام علی و اولادش و خواندن خطبه به نام رسول و خاندانش، نام ائمه در کتیبه‌های مساجد و بارگاه‌های عرفا و امامزادگان و ... نوشته

شد. اکنون در شهر اصفهان سه نمونه مربوط به عصر سلطان محمد خدابنده موجود است که نام دوازده امام بر آنها نوشته شده است (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). این روند در دوره صفوی به صورت موفق‌تر و در دوره معاصر با انقلاب اسلامی به صورت دمکراتیک دنبال شد. به این ترتیب مرکزیت هویت اسلامی و شیعی با هویت فرهنگی ایرانیان گره می‌خورد. به گونه‌ای که اکنون هویت اسلامی و شیعی و هویت فرهنگی ایرانیان دو روی یک سکه قلمداد می‌شوند. بدین معنا مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مذهب شیعه از پنج قرن گذشته تاکنون حیات و روح ایرانی را در عمیق‌ترین زوایا تحت‌تأثیر و راهبری خود قرار داده است (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۷).

از آنجا که ایرانیان در طول تاریخ حیات خود، به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی - که آنان را در میان اقوام و ملیت‌های گوناگونی قرار داده بود - در یک دادوستد دائم فرهنگی با دیگران به سر برده‌اند. همین امر سبب شده تا فرهنگ ایرانی آمیزه‌ای از فرهنگ‌های مختلف بشری باشد. این معنا در تهاجمات خارجی به ایران، نمود برجسته‌تری را به نمایش می‌گذارد. چرا که ایران بر خلاف بسیاری از کشورها از لحاظ فرهنگی با حملات و تهاجمات خارج از مرزها با صعه صدر برخورد نموده و به جذب، بازسازی، بازتعریف و هماهنگ‌سازی با فرهنگ مقابل می‌پردازد. بر این اساس مطلقاً در فرهنگ مقابل مستحیل نشده است. چرا که فرهنگ و تمدن ایران با عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مقابل وارد کنش و واکنش شده و از انحطاط فرهنگی خویش جلوگیری کرده است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

به نظر می‌رسد که این اتفاق در زمان ورود اسلام به ایران نیز تکرار شد و ایرانیان دین جدید را متفاوت از سایر اقوام و ملل پذیرفتند. آنها پذیرش گم‌راهی و بی‌چون و چرای اسلام خلفایی نبودند و با توجه به حقانیت آموزه‌های منبعث شده از قرآن و اهل بیت و سنخیت بیشتر این آموزه‌ها با پیش زمینه‌ها و داشته‌های تاریخی و همچنین تحت‌تأثیر برخی عوامل جغرافیایی به شاخه تشیع رغبت بیشتری نشان دادند.

با توجه به مطالب فوق، سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه «زمینه‌ها و مؤلفه‌های جغرافیایی - فرهنگی مؤثر در ظهور و فراگیری مذهب تشیع در ایران کدامند»؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی بوده و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. منابع اطلاعاتی این تحقیق را مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات) و مطالب موجود در فضای مجازی تشکیل داده‌اند. فرضیه تحقیق نیز به این شکل تدوین شده است: «به نظر می‌رسد زمینه‌ها و مؤلفه‌هایی چون انتخاب کوفه به پایتختی حکومت امام علی^ع، عوارض جغرافیایی مربوطه، اشتراک فکر ایران باستان و آموزه‌های شیعی، قتل خلیفه دوم به دست فیروز، رفتار عادلانه ائمه با موالی و ایرانیان، مهاجرت امام رضا به ایران، شکل‌گیری حکومت‌های شیعی، تأثیر شخصیت‌های ایرانی، حضور اشعری‌ها در قم و فعالیت دانشمندان شیعی مذهب در ظهور و فراگیری مذهب تشیع در ایران نقش داشته است».

یافته‌های تحقیق

انتخاب کوفه به عنوان پایتخت حکومت امام علی^ع

شکل‌گیری حکومت علی بن ابی‌طالب^ع در شهر کوفه که بستر و نشیمنگاه آن در دوره‌های تاریخی قبل از اسلام نیز بخشی از قلمرو ایران بود، در فرآیند گرویدن مردم ایران به تشیع تأثیرگذار بوده است. به عبارتی حس تعلق به کوفه به عنوان قسمتی از وطن که در آن زمان به صورت مقر حکومت نخستین پیشوای شیعیان درآمد بود، تأثیر شگرفی در روند تشیع ایرانیان داشته است. باور عمومی این است که ساختن شهر کوفه در زمان خلیفه دوم یعنی عمر اتفاق افتاد. وی دو نفر را مامور یافتن محلی مناسب نمود. سلمان فارسی و حذیفه بن یمان که هر دو از محبان اهل بیت بودند، محل شهر کوفه را پسندیدند. این شهر محلی برای عبادت راهبان مسیحی بود و قبایلی حامی ایرانیان نیز در آن ساکن بودند.

با گذشت زمان اندازه و ابعاد شهر بزرگتر شد و مرکزیتی برای تجلی حکومت امام علی^ع و یارانش پدید آمد. با توجه به ایرانی بودن سرزمین‌هایی که کوفه در آن بنا شد، حضور امام علی در این شهر مرحله جدیدی برای گرایش ایرانیان به تشیع بود و برنامه‌ها، دادگستری‌ها، ارائه اسلام بی‌پیرایه حضرت علی^ع نقش مهمی در تقویت جریان گرویدن ایرانیان به تشیع ایفا کرد. به این ترتیب یکی از علل گرویدن مردم ایران به تشیع، حضور امام علی^ع در مناطق قبلاً ایرانی

بود که سبب شناخت و آشنایی از نزدیک مردم این سرزمین با آن حضرت شد؛ در حالیکه خلفای پیشین هیچگاه پایشان به ایران باز نشده بود.

با استقرار امام علی در کوفه، بسیاری از مردم این شهر و شهرهای اطراف از جمله بصره به تشیع گرویدند. از طرفی با مسافرت کارگزاران آن حضرت به دیگر شهرها و استان‌ها، بسیاری بر اثر راهنمایی‌های آنها شیعه می‌شدند. به این ترتیب تشیع در مکه و یمن و مصر و عراق و فارس رو به گسترش نهاد (جعفریان، ۱۳۷۵: ۲۰۵).

تأثیرات عوارض جغرافیایی

به‌طور کلی با افزایش فاصله جغرافیایی نسبت به کانون پخش فرهنگی از شدت و حدت اثر و تأثیر پدیده و عنصر فرهنگی کاسته می‌شود. در این راستا دین نیز از این فرایند مستثنی نیست و با افزایش فاصله از کانون جغرافیایی ظهور دین از شدت اثربخشی آن کاسته و زمینه برای ظهور پیشرفت در آن دین فراهم می‌گردد. از سوی دیگر استحکامات طبیعی نظیر بیابانهای صعب‌العبور، رشته کوههای سخت و... نیز به‌طور طبیعی در ظهور عناصر و خرده فرهنگهای جدید نقش به‌سزایی دارند. در این راستا توجه به کانون جغرافیایی ظهور مذهب تشیع نیز به خوبی این قاعده را متجلی می‌سازد. به عبارت دیگر به‌طور رسمی برای نخستین بار مذهب شیعه در منطقه کوهستانی آذربایجان و اردبیل و بسیار دور از خلافت حاکمان اموی و عباسی در منطقه شام و شبه جزیره عربستان شکوفا شد. ضمن اینکه صعب‌العبور بودن این منطقه از حیث طبیعی نیز به ظهور این مذهب در این محیط تأثیر به‌سزایی داشت. به عبارت دیگر این فضای جغرافیایی از حیث طبیعی مستعد ظهور تفکرات و اصلاحات جدید در مذهب پیشین است. این امر در مورد مردم شمال ایران که در طول تاریخ دژ محکم البرز همواره از عقایدشان پاسداری کرده است نیز به چشم می‌خورد. این مردم دارای دین و فرهنگ آریائی بودند و حتی پس از زرتشت آئین زرتشتی در میانشان به کندی رشد کرد.

مردم شمال ایران از جمله نواحی مازندران و گیلان و دماوند و دیلمان در جریان حمله فاتحان مسلمان و حملات نظامی آنان مقاومت کردند. مقاومت و مخالفت با حاکمان اموی و عباسی از یک سو، و جغرافیای سخت و کوهستانی از سوی دیگر، باعث شد تا این مناطق به‌عنوان مأمن و پناهگاهی برای رشد و شکوفایی مذهب شیعه و پیروان آن درآید. این جغرافیای ویژه در سایر

مناطقى که سپاهیان اسلام فتح می‌کردند، به‌خصوص در شمال شبه جزیره، سواحل مدیترانه و شمال آفریقا وجود نداشت و بنابراین پیامدهای آن نیز متفاوت از ایران و عمدتاً گسترش تسسن بود.

احساس اشتراک بین تفکرات ایران باستان و آموزه‌های شیعی

امور مشترک زیادی بین تفکرات ایران باستان و آموزه‌های شیعی وجود دارد. از جمله سابقه حکومت مؤروثی در ایران باستان و امامت مؤروثی در تشیع که کشش خاصی برای ایرانیان ایجاد کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۷). همچنین اعتقاد ایرانیان به آسمانی بودن حکومت؛ باور به ازدواج شهربانو دختر یزدگرد سوم با امام حسین^ع و اینکه دختر پادشاه ایران مادر امام چهارم است؛ بحث منجی، عدالت و نبرد بین خیر و شر و حتی پل صراط که مفاهیمی شیعی هستند و با تعبیر دیگری در آئین باستانی ایران نیز وجود داشتند. علاوه بر آن در باره آموزه انتظار که یکی از آموزه‌های اساسی تشیع محسوب می‌شود، به‌گونه جالب توجهی در آئین زرتشتی نیز آمده است که زرتشت مردی بزرگتر از خود را انتظار می‌کشید که بایستی پس از او می‌آمد (Lommel, 1930: 229).

مورد دیگر نبرد نیکی و بدی در پایان جهان است. در اوستا باور این است که هنگامی که روزگار دوره تعیین شده‌اش را سپری کند، نیروهای تاریکی شکست خواهند خورد و این شکست برای همیشه خواهد بود. پادشاهی خواهد آمد و حاکمیتش بر قرار خواهد شد و دیگر هرگز مورد چالش قرار نخواهد گرفت (Moulton, 1972: 155).

علاوه بر آنچه گفته شد، می‌توان در این خصوص به مفهوم عدالت نیز اشاره کرد، باور قوی زرتشت به عدالت خداوند منجر به باورمندی او به جهانی بهتر از جهانی کنونی گردید. (آزیر، ۱۳۸۵: ۱۵۵). این باور همان رستاخیز (قیامت) را دربر دارد. همچنین باور به به پل چینوت یا صراط شباهت جالبی بین آئین زرتشت و تشیع است. پل چینوت به معنای پل تفکیک و جدایی است. بر اساس اوستا در این نقطه میان درست‌کرداران و بدکرداران جدایی می‌افتد. درست‌کرداران به سرای سرود و بدکرداران به سرای دروج وارد خواهند شد (Pavry, 1965: 55).

یکی از باورهای سیاسی ایرانیان این است که فقط فرزندان علی‌بن ابی‌طالب حق رسیدن به حکومت را دارند و دلیل این امر این است که آنها نژاد از دو سو دارند. هم از ساسانیان از طرف

مادرشان شهدخت شهربانو، دختر آخرین پادشاه ساسانی، و هم از خاندان امامت (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۹۱). با اینکه متفکران زیادی از جمله علی شریعتی این عقیده را رد می‌کنند و این باور را تحریفی تاریخی می‌دانند (شریعتی، ۱۳۵۱: ۹)، اما بسیاری از مردم ایران به شاهدخت ایرانی مادر امام چهارم ایمان قلبی دارند و حتی مکان آرامگاه او را در شهر ری گرامی می‌دارند و به به امام سجاده لقب ابن‌الخیرتین یعنی پسر دو برگزیده را داده‌اند.

به هر حال، میان افکار ایرانی و عقاید مخالفان خلفا (اهل بیت) توافقی بوجود آمد و ایرانی‌ها خود را با آنان وفق دادند و مذهب تشیع را پذیرفتند؛ یعنی تمامی زمینه‌های مشترک تمدن ایرانی - زردشتی و مخالفت مشترک ایرانیان و اهل بیت با خلفای اموی سبب پیوند روحی ایرانیان با اهل بیت شد که نتیجه آن شیعه شدن عمده جمعیت سرزمین ایران (حقوقی، ۱۳۵۳: ۱۳۲).

تأثیر فرهنگی کشته شدن خلیفه دوم توسط یک ایرانی

به باور بسیاری از مردم خلیفه دوم به دست یک غلام ایرانی به نام فیروز کشته شده است. این باور اگر چه مورد تأیید همه مورخین اسلامی نیست، اما تأثیر خود را در باورها و ذهنیت‌های عمومی به جا گذاشته و نقش قابل توجهی در این خصوص داشته است.

بر اساس فرضیه رایج، پس از کشته شدن عمر در ماه ذی‌حجه سال ۲۴ هجری، پسر کوچکش با چند تن از نزدیکان، برای خونخواهی پدر به کشتار ایرانیان پرداختند. آنها حتی سلمان فارسی را به جرم ایرانی بودن کتک زدند. در این میان علی‌ابن‌طالب از ایرانیان حمایت کرد و افراد را به پیروی از عدل و انصاف راهنمایی کرد. پس از دفاع حضرت علی از مردم ایران، این خبر به ایرانیان شکست خورده و وطن از دست داده رسید و موجبات تشیع آنها را فراهم نمود. البته عواملی دیگر در این خصوص نیز به صورت زنجیروار زمینه را فراهم کردند. از جمله:

- هنوز اکثریت مردم ایران مسلمان نشده بودند.
- هنوز ایرانیان به فاتحان سرزمینشان خراج می‌پرداختند.
- یک ایرانی خلیفه اعراب مسلمان را به قتل رسانده است. این امر هموطنانش را خوشحال می‌کند.
- اعراب خلیفه خویش را از دست دادند و بدون محاکمه و بدور از عدل و انصاف به هر

ایرانی حمله‌ور شده و حتی چند ایرانی را به قتل رساندند.

- یک عرب دیگر که پسر عمو و داماد و مدعی جانشینی پیامبر است، از حقوق قاتلان خلیفه عرب دفاع کرده و مهاجمان را به عدل و انصاف دعوت می‌کند.

نهایتاً این اتفاق سبب شد تا فکر و اندیشه مردم ایران دگرگون شود و نام علی بر سر زبان‌ها بیفتد. شاید یکی از دلایلی که علی وارد کوفه شد و کوفه را مقرر حکومت خویش انتخاب کرد، همین مساله یعنی نظر مساعد و محبت‌آمیز ایرانیان باشد. پس از آن ایرانیان به تدریج درمی‌یابند که آموزه‌های دینی رسول خدا و اهل بیت او بر اساس عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی است، نه کشور‌گشایی. این دو هیچ امتیازی برای اعراب و قوم خود قایل نیستند؛ بلکه، عرب و عجم از نظر مکتب آنها برابر و یکسانند. بر اساس دین جدید تنها امتیاز انسان‌ها به تقوی و دانش است نه چیز دیگر (واصف، ۱۳۸۹: ۵۷).

در چنین شرایطی حساب پیامبر و خاندانش از حساب اعرابی که در پی کشور‌گشایی و غارت کشورهای مفتوحه و کسب افتخارات قومی بودند جدا می‌شود و ایرانیان درمی‌یابند که اهل بیت پیامبر و حامیان آنها تنها به دنبال اجرای عدالت و هدایت انسان‌ها هستند و کشور‌گشایی و مال‌اندوزی و برتری‌جویی قومی و سلطنت در نظر اهل بیت پیامبر ارزشی ندارند (واصف، ۱۳۸۹: ۵۸).

شخصیت ائمه و رفتار عادلانه آنها با موالی

موالی به تعدادی از ایرانیان گفته می‌شود که در طول جنگ قادسیه سپاه اسلام را یاری کردند. آنها با اعراب شرط کردند که پس از جنگ به هر کجا خواستند بروند و با هر قبیله که تمایل داشتند هم پیمان شوند و سهمی نیز از غنایم جنگی بگیرند. اما پس از اینکه ایران فتح شد و اعراب مسلمان بر آن سلطه یافتند، روحیه قوم‌گرایی خود را در حکومت دخالت دادند و نسبت به ایرانیان و موالی تحقیر روا داشتند و آنها را شهروند درجه دو به حساب آوردند. موالی در کنار مشاهده تبعیضات خلیفه دوم و سوم، رفتار و گفتار علی و پسرانش حسن و حسین را نیز ملاحظه می‌کردند و شاهد بودند که امام برخلاف دستگاه حاکم، موالی را شهروند درجه دو نمی‌داند و خواستار تقسیم عادلانه بیت‌المال و غنائم جنگی میان مسلمانان عرب و عجم است.

همین امر مؤلفه‌ای بود که باعث بسط و گسترش فرهنگ شیعی توسط موالی برای دیگر ایرانیان شد.

به تدریج با تبلیغات موالی، ایرانیان اسلام را به خاطر وجود ارزشها و اعتقادات رهایی بخش پذیرفتند. در عین حال به مرور با دقت در آموزه‌های اسلام ناب برآمدند و پس از تحقیق، این نوع اسلام را در کلام و رفتار علی بن ابی طالب و فرزندان او یافتند. ایرانیان پس از پذیرش اسلام و در زمان خلافت خلفای پیش و پس از علی نیز همواره مورد آزار قرار می‌گرفتند و به عنوان شهروند درجه دو یا سه تلقی می‌شدند. لذا چون اعتقاد داشتند اسلام این نوع رفتار ظالمانه را تجویز نمی‌کند، به دنبال آیین پاک بودند و پس از جستجو، چنین آیینی را تنها در رفتار و کلام علی^ع و جانشینان وی یافتند. به نظر می‌رسد این نکته سنگ بنا و اساس تشیع ایران باشد (شیرخانی، ۱۳۸۲، ۳۸).

در همین راستا کمک‌های شایان امامان به ایرانی‌ها در رفع تبعیض و ظلم بر آنان باعث محبوبیت علویان در ایران شد. مظلومیت علویان و مهاجرت آنان به ایران نیز زمینه‌ساز گسترش شیعه و نیز پیدایش سنی‌های معتدل و دوستدار اهل بیت در ایران شد (جعفریان، ۱۳۷۵: ۷۲۸). بنابراین، این شیوه برخورد امام علی و فرزندان و یارانش با موالی یکی از علل گرایش ایرانیان به تشیع بود (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۱: ۱۲۰). رفتار سیاسی موالی در دوره‌های بعد از جمله در جریان قیام مختار نیز ظهور و بروز داشت و آنها از این قیام حمایت و پشتیبانی کردند (نیومن، ۱۳۸۶: ۵۶).

مهاجرت امام رضا^ع و برخی از امامزادگان به ایران

حضور امام رضا^ع در خراسان بزرگ، موجب گسترش تشیع در ایران شد. البته در این زمان در مناطق مرکزی و شرقی ایران تعداد زیادی شیعیان معتقد و مستحکم حضور داشتند و زمینه برای حضور امام در خراسان فراهم بود. این مسافرت به مرو بویژه به شیعه شدن مردم شهرها و روستاهای مسیر کمک کرد. ابلاغ حدیث معروف سلسله‌الذهب در نیشابور که بوسیله چندین نویسنده نگاشته و ثبت شد، تأثیر شگرفی در آئین مذهبی مردم و تمایل آنها به تشیع به جا گذاشت. این تأثیرگذاری قبلاً بوسیله مامون پیش‌بینی شده بود و نظر او این بود که

کاروان امام رضا از مسیر شهرهای اصلی شیعه‌نشین عبور نکند (شیخ صدوق، بی‌تا، ۱۴۸). در مجموع حضور سه ساله امام رضا در ایران، انقلابی فرهنگی، اعتقادی و سیاسی به راه انداخت و ضمن تبیین مبانی اصیل تشیع در سطحی وسیع موجب گسترش آن در سطح ایران شد (شیرخانی، ۱۳۸۲، ۴۸).

با استقرار امام رضا در ایران و پذیرش ولایت عهدی، ایشان نامه‌ای به بستگان خود در مدینه و عراق نوشت و آنها را به ایران دعوت کرد. این نامه باعث شد که حدود سیزده‌هزار نفر از سادات علوی و بستگان امام رضا در چندین مرحله به صورت کاروانی، مدینه و حجاز را به مقصد خراسان بزرگ آن زمان ترک نمایند (روضاتی، ۱۳۵۵: ۱۷). از جمله این بستگان، حضرت معصومه^س خواهر امام بود که همراه چهارصد تن وارد ایران شد و به خاطر بیماری، پس از عبور از ساوه در قم سکنی گزید. شهر قم در فضای جغرافیایی آن زمان راهی مناسب برای رسیدن به طوس بود و حضرت معصومه^س به همراه کاروانش این مسیر را برگزید.

مهاجران پس از رحلت حضرت معصومه^س همچنان در آن شهر باقی ماندند و نقش مؤثری در نشر فرهنگ شیعی در قم و اطراف آن ایفا کردند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۵۰). از آن زمان تا عصر حاضر این شهر جایگاه و موقعیت کانونی خود را در جهان تشیع حفظ کرده و همچنان یکی از مهمترین مراکز آموزش و نشر آموزه‌های شیعی است.

یکی دیگر از کاروانهای مشهور، مربوط به حضرت احمدبن موسی (شاهچراغ) بود. وی برادر حضرت امام رضا بود که حدود ۴۰۰ تن از سادات علوی در کاروانش حضور داشتند و ماموران حکومتی از ترس برانگیختگی شیعیان فارس بر ضد حکومت، ایشان را در شیراز به شهادت رساندند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۵۰). از این اتفاق چنین برداشت می‌شود که منطقه فارس یک منطقه مهم جغرافیایی - سیاسی از سوی حکومت تلقی می‌شد و شیعیان زیادی در آن حضور داشتند که زمینه را برای گسترش تشیع در دیگر مناطق جنوبی ایران فراهم کرده بودند. به این ترتیب ورود احمدبن موسی^ع به فارس مؤلفه‌ای تأثیرگذار بود که به گسترش زمینه‌های فرهنگی گسترش تشیع منجر شد و باعث شد مذهب تشیع در این مناطق رشد و نمو قابل توجهی پیدا کند.

حکومت‌های شیعی

علویان طبرستان

بخش شرقی طبرستان، به ویژه گرگان، در زمان خلافت عمر و عثمان به دست مسلمانان فتح شد. اما بخش غربی آن، دیر زمانی گذشت تا به مرور با اسلام و مسلمانان کنار آمد. حتی در همین دوران، امیران محلی تا قرن‌ها قدرت را در اختیار داشتند. ولی پس از مدتی امیران طاهری و نمایندگان آنها، بر این سرزمین حاکم شدند. از نگاه دینی و مذهبی، منطقه دیلم و مناطق شمالی ایران با توجه به عوامل جغرافیایی، سیاسی و امنیتی، آمادگی ایجاد یک نهضت شیعی را داشت. البته آشنایی بیشتر مردم کرانه‌های دریای خزر با تشیع در قرن سوم هجری بود که به قیام و استقلال این سرزمین انجامید (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۹۷). مردم طبرستان در آن زمان، حسن بن زید علوی را که در ری اقامت داشت، در سال ۲۵۰ هجری قمری به دیار خویش دعوت کردند. وی این دعوت را پذیرفت و وقتی به طبرستان آمد، همه مردم آن ناحیه، از چالوس تا رویان و مازندران را آماده بیعت با خود دید. حمایت‌های مردمی از حسن بن زید، سبب شد تا وی پایگاه محکمی در طبرستان به دست آورد و بدین ترتیب طبرستان برای مدتی قریب بیست سال در اختیار او بود (جعفریان، ۱۳۸۷: ۹۷). پس از حسن، محمد بن زید، بعد از قیام‌های متعدد، حکومت خود را در طبرستان مستقر ساخت و از علویان حمایت کرد. مورخان آورده‌اند که محمد بن زید با ارسال کمک مالی علویان را - که تحت سلطهٔ عراق و حجاز بودند - حمایت می‌کرد (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۹۷). در مجموع این دو و دیگر سادات علوی در مناطق شمالی ایران توانستند با توجه به کوهستانی بودن منطقه حدود هفتصد سال حکمرانی کنند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۵۲).

آل بویه

در آستانه قرن چهارم هجری قمری دولت عباسی به دلایل چندی رو به ضعف نهاد و در همین زمان پسران بویه ماهیگیر در مناطق مختلف ایران حاکمیت پیدا کردند. آنان پس از استقرار در شهرهای ری، اصفهان و شیراز، به سوی بغداد مرکز حکومت عباسی حرکت کردند و خلافت و شخص خلیفه را در دست گرفتند و بر تمام مسلمان اعم از شیعه و سنی حکومت می‌کردند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۹۹).

ایلخانان مغول

با حمله مغولان به رهبری هلاکوخان به بغداد، ایلخانان مغول به تثبیت و گسترش حاکمیت خود در سرزمین‌های اسلامی پرداختند. با گذشت زمان حاکمان ایلخانی با فرهنگ اسلام آشنا شدند و اسلام را پذیرفتند و سعی کردند موضع میانه‌ای نسبت به دو گرایش شیعه و اهل سنت داشته باشند.

غازان خان متمایل به مذهب تشیع و دوستدار اهل بیت بود. برخی از نویسندگان نیز معتقدند مذهب تشیع را به‌نوعی در آن زمان رسمیت داده است (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). پس از او سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) که تحت‌تأثیر کلام و مباحث علامه حلی شیعه شد، به رسمی شدن مذهب تشیع کمک شایانی کرد.

با آغاز حکومت ال‌جایتو، دوره جدیدی در حیات تشیع آغاز شد. عصر حکومت وی یکی از اعصار درخشان تشیع در ایران و به‌خصوص آذربایجان است (رضایی، ۱۳۸۵: ۵۳). پس از آنکه سلطان مغول مذهب شیعه را پذیرفت، خبر گرویدن وی در سراسر کشور انتشار یافت و تلاش شد مردم نیز به این آیین درآیند و در صورت سرپیچی تادیب شوند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

تشیع سلطان محمد خدابنده، نقطه عطفی در تاریخ تشیع ایران بود و موجب استحکام و رونق تشیع در این عصر و در نهایت، زمینه‌ساز رسمیت یافتن آن در زمان صفویان شد. به دستور خدابنده، علاوه بر ضرب سکه به نام علی و اولادش و خواندن خطبه به نام رسول و خاندانش، نام ائمه در کتیبه‌های مساجد و بارگاه‌های عرفا و امامزادگان و... نوشته شد. اکنون در شهر اصفهان سه نمونه مربوط به عصر سلطان محمد خدابنده موجود است که نام دوازده امام بر آنها نوشته شده است (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

سربداران

در قسمتی از خراسان و حوالی شهر سبزوار، سلسله‌ای شیعه مذهب در سال ۷۳۸ هجری با تصرف شهر سبزوار دولتی را تشکیل دادند که از شرق تا نیشابور و از غرب تا دامغان و گرگان پیش رفت که به سربداران معروف بود (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). در واقع سربداران نهضتی از شیعیان ایران، در قرن هشتم هجری بودند. تلاش پیگیر رهبران آزاده این قیام، منجر به تشکیل حکومت مستقل ملی و شیعه مذهب ایرانی در خراسان شد و سبزوار پایتخت آن بود.

با آن که قیام سربداران جنبشی محلی بود و مدت زیادی دوام نیافت، اما در تاریخ ایران اهمیتی خاص دارد. زیرا در پی این قیام و با نیرو گرفتن از پیروزی‌های آن بود که در نقاط دیگر نیز مردم روستاها شورش‌هایی آغاز کردند. با این همه در مدت کوتاه حکومت ایشان، آبادانی بسیار صورت گرفت. امیران سربدار در پی بهتر کردن زندگی روستائیان و طبقه محروم شهری بودند و به نوعی مساوات در تقسیم عواید و ثروت عمومی اعتقاد داشتند.

صفویان

تشکیل دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری قمری از رویدادهای مهم تاریخ تشیع ایران است. چراکه مهم‌ترین حکومت تأثیرگذار در گسترش تشیع صفویه بوده است. پیدایش این دولت که باید آن را سر آغاز عصر تازه‌ای در حیات سیاسی و مذهبی ایران دانست، موجب استقلال ایران بر اساس مذهب رسمی تشیع و سازمان‌داری نسبتاً متمرکز شد (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۱: ۳۱۵).

مذهب تشیع اگر چه از نظر فقهی و اعتقادی همگام با پیدایش و گسترش دین اسلام شکل گرفت، اما نقش‌آفرینی گسترده آن به‌عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی به تأسیس امپراتوری صفوی توسط شاه‌اسماعیل صفوی مربوط می‌شود. اعلام رسمی مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور توسط وی، جغرافیای سیاسی جهان اسلام را برای همیشه تغییر داد. از این تاریخ به بعد مذهب تشیع با منافع و هویت ایرانی پیوند ناگسستنی پیدا کرد.

در دوره صفویه، مذهب تشیع در حدود قلمروی سرزمین ایران رسمیت یافت (ابراهیمی خوجین، ۱۳۹۱: ۹۸۵). در واقع ایجاد دولت صفوی نقطه اوج نهضت‌هایی بود که به طرفداری از تشیع علیه حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس و قدرت‌های همسوی آن‌ها صورت گرفت (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

شاه‌اسماعیل بعد از نخستین حمله پیروز خود، دستور داد خطیب شهر خطبه ائمه اثنی‌عشر را بخواند و جمله‌های (اشهد ان لا اله الا الله) و (اشهد ان علیاً ولی الله) و (حی علی خیر العمل) را که به‌دستور سلاطین سنی حذف شده بود بگوید. همچنین مذهب دوازده امامی به‌عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

سیاست صفویان به رهبری شاه‌اسماعیل در رسمیت دادن به تشیع اثنی‌عشری با مقاومت چندانی روبه‌رو نشد. حال این مساله به‌خاطر برخورد تند شاه با مخالفان بود، یا زمینه‌های فراوانی برای

تشیع وجود داشت، چندان تأثیری در نتیجه کار نداشت. زیرا مردم ایران به هر دلیل مذهب تشیع را به راحتی پذیرفتند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

مراسم سوگواری به صورت دسته‌جمعی شامل زنجیرزنی، شبیه‌خوانی، وعظ و روضه‌خوانی همگی گویای اقدامات صفویان در راستای تثبیت اعتقادی شیعی دوازده امامی است. پس از رسمی شدن شیعه در دوره صفوی و گسترش آن در ایران این مذهب تا کنون مذهب ایرانیان بوده است.

تأثیر شخصیت‌های ایرانی

در قرون اولیه اسلامی عملکرد تعدادی از شخصیت‌های ایرانی در گسترش تشیع و نفوذ آن در سرزمین‌های ایرانی مؤثر بود. از جمله مهمترین این افراد می‌توان به سلمان فارسی، ابومسلم خراسانی، استاذسیس، طاهر ذوالیمینین و یعقوب لیث صفاری اشاره کرد. در این میان سلمان استاندار مداین بود که به روند تشیع در غرب ایران کمک شایانی کرده است، ابومسلم خراسانی پایان‌دهنده حکومت بنی‌امیه می‌باشد و پس از کشته شدن او استاذسیس بود که به خونخواهی ابومسلم قیام کرد؛ پس از آن طاهر و یعقوب لیث صفاری نیز قیام کردند، اما حکومت‌های سنی مذهب را شکل دادند به همین خاطر در این پژوهش به آنها پراخته نمی‌شود.

سلمان فارسی: سلمان فارسی اولین ایرانی مسلمان شده، در زمان خلافت خلفای راشدین، حدود بیست سال استاندار مداین بود و در همان زمان از شیعیان اعتقادی علی^ع شمرده می‌شد. پس از استقرار سلمان، ارتباط ایرانیان در مداین و نواحی آن با او آغاز شد و زمانی که ایرانیان تازه مسلمان زندگی سلمان پیرو علی^ع را دیدند و اسلام ناب را در وجود او یافتند، به اندیشه- هایش گرایش پیدا کردند. آنان از یک سو، شنیده بودند که پیامبر ستایش‌هایی از سلمان کرده است و از سوی دیگر دیدند که وی پیرو علی^ع است. در نتیجه مذهب سلمان را برگزیدند. بر این اساس، نخستین بنای تشیع در شهر مداین و اطراف آن نهاده شد و سپس از آنجا به دیگر شهرها و مناطق غربی ایران گسترش یافت.

ابومسلم خراسانی: (۷۵۵-۷۱۸ میلادی) یکی از فرماندهان نظامی ایران و رهبر جنبش سپاه‌جامگان بود که توانست با براندازی حکومت بنی‌امیه، حکومت بنی‌عباس را پایه‌گذاری کند.

وی با حکم و توصیه ابراهیم امام، یکی از بزرگان بنی‌عباس، رهسپار خراسان شد تا رهبری جنبش ضد اموی در این منطقه را برعهده بگیرد. پس از پیروزی بر حاکم خراسان و تسخیر مرو، سپاهی را روانه عراق نمود و توانست در سال ۱۳۲ هجری قمری، مروان، آخرین خلیفه اموی را شکست دهد. با بر تخت نشستن عبدالله‌سفاح به‌عنوان اولین خلیفه عباسی، امارت خراسان به ابومسلم سپرده شد. اما قدرت و نفوذ وی برای خلیفه و اطرافیان او نگران‌کننده بود. سرانجام، ابومسلم در سال ۱۳۷ هجری قمری، به‌نحو توطئه‌آمیزی به‌دستور منصور، دومین خلیفه عباسی به قتل رسید (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ۶).

استادسیس: وی در سال ۱۵۰ هجری قمری در سیستان علیه خلیفه منصور و به خونخواهی ابومسلم قیام کرد. او به خاطر دلیری و شجاعتش در میان مردم از محبوبیت خاصی برخوردار بود. به همین روی طولی نکشید که استادسیس با حمایت حریش که تمام عمر خود را صرف جنگیدن با خلفای اعراب کرده بود، توانست سیستان را فتح کند. بعد از فتح سیستان نامه‌ای برای منصور نوشت و از او خواست که تسلیم شود. در غیر این صورت، به بغداد لشکرکشی خواهد کرد.

منصور بعد از خواندن نامه خشمگین شد و سپاهی عازم سیستان کرد تا استادسیس را به بند کشد ولی با کمال ناباوری سپاهش با شکست روبرو شد.

اخبار پیروزی‌های استادسیس لرزه بر اندام منصور افکنده بود. منصور سپاهی به فرماندهی پسرش مهدی و تنی چند از سرداران شجاعش برای مقابله با استادسیس گسیل داشت و این بار هم با ناکامی روبرو شد؛ در واقع مهدی به دست استادسیس زخمی و بسیاری از یارانش کشته شدند و ناگزیر عقب‌نشینی کردند. منصور بعد از شکست خوردن مهدی، آخرین امید خود یعنی یکی از فرماندهانش را با سپاهی عظیم به جنگ استادسیس روانه کرد. چندین بار در مقابل استادسیس لشکر بیاراست ولی هر بار با شکست روبرو شد و بسیاری از یارانش کشته شدند (حسینی، ۱۳۹۱: ۱).

حضور خاندان اشعری در منطقه قم

شهر قم نقش مهمی در ظهور و فراگیری تشیع در ایران داشته است و این نقش تاریخی خود را

تا زمان کنونی حفظ کرده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۲). به گفته حسن بن محمد قمی، نویسنده کتاب تاریخ قم، مذهب شیعه امامیه را گروهی از اعراب که از کوفه به قم مهاجرت کردند. در این شهر گسترش دادند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸). این گروه عمدتاً از خاندان شیعه مذهب اشعری بودند. با مهاجرت این خاندان و دعوت از سادات برای اسکان در قم، این شهر به یکی از پایگاهها و مراکز پرشور تشیع تبدیل شد (بارتلد، ۱۳۸۳: ۸۹؛ زنده‌دل و دستیاران، ۱۳۷۹: ۲۶). سختگیری‌های سیاسی عباسیان بر سادات، حضور سادات زیدی مذهب در ری و طبرستان و تشکیل حکومت در این منطقه و نیز نقابت حاکم بر قم و ری و اطراف آن دو، عملاً شبکه اتصال تشیع را در حوزه‌های جغرافیایی شرق خلافت عباسی گسترده و نفوذ و تسلط مذهبی خود را تا چند قرن متوالی بر این مناطق تثبیت کرد (خضری و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۸۱).

خاندان اشعری رابطه مهمی با توسعه شهری قم دارند. در مورد تعیین زمان تأسیس شهر قم بین سیره‌نویسان اختلاف هست. یعقوبی قم را از شهرهای عهد ساسانی می‌داند (یعقوبی، بی‌تا، ۴۴). شهر قم از هفت قلعه به هفت محل و در نهایت، به یک شهر تبدیل شد و این پیشرفت مقارن با ورود اشعریها به قم است. مورخان بر این باورند که مالک بن عامر جد اشعریهای مهاجر به قم از شیعیان و پیروان حضرت امیر بوده و در جنگ صفین در رکاب آن حضرت جنگیده است. در متون تاریخی اشعریها را عامل شیعه شدن اهل قم می‌دانند، حال آنکه اینان مروج شیعه بوده‌اند (یعقوبی، بی‌تا، ۲۴).

قزوینی معتقد است، گرایش اهالی کاشان و شهری به نام آبه که قزوینی در آثارالبلاد به آن اشاره دارد نیز از ترویج شیعه به وسیله اهل قم متأثر بوده است؛ بنابراین، به تدریج به وسیله اشعریها شهر قم و اطرافش حتی تا حدود ری و کاشان تشیع را نفوذ و گسترش پیدا کرد.

تأثیر فرهنگی عالمان شیعی

عالمان شیعی در طول تاریخ پانزده قرن اسلامی همواره نقش به‌سزایی در رشد و توسعه مذهب تشیع داشته‌اند (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۷۸). در قرن چهارم که بغداد مرکز علمای شیعی شد، تلاش‌های عالمانه شیخ مفید، شیخ طوسی و دیگران سبب شد برخی از مناطق ایران همانند ری و جبال به تشیع گرایش پیدا کنند. تعدادی از مهمترین دانشمندان تأثیرگذار درخصوص

گسترش تشیع در ایران عبارتند از: ثقه‌الاسلام کلینی، شیخ صدوق، صاحب‌بن‌عباد، شیخ مفید، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، محقق کرکی و ... تمامی این علما در روند تشیع در ایران نقش به‌سزایی داشته‌اند. به‌عنوان مثال فعالیت‌های علامه حلی در اوضاع سیاست مذهبی ایران در زمان سلطان مغول «اولجایتو» تأثیر گذاشت و او به مذهب تشیع گرایش پیدا کرد و از سال ۷۰۷ هجری قمری در ایران مذهب شیعه اثنی‌عشری رسمی شد (جعفریان، ۱۳۷۵: ۷۲۸-۷۲۵). همچنین محقق کرکی که پس از رسمی شدن مذهب شیعه در ایران از علمای درباره شاه‌اسماعیل صفوی بود، تأثیر شگرفی در شیعه شدن مردم ایران از خود به جا گذاشت.

بحث و نتیجه‌گیری

در جغرافیای فرهنگی همواره یکی از موضوعات مورد مطالعه، بررسی رابطه متقابل بین محیط و فرهنگ و چگونگی تأثیرگذاری متقابل آنها بر یکدیگر است. در این راستا بخشی از علل ظهور عناصر فرهنگی از جمله دین و مذهب در سرزمین‌های مختلف علاوه بر ریشه‌های تاریخی، ناشی از ابعاد و ویژگی‌های طبیعی و انسانی فضای جغرافیایی می‌باشد که به شکل‌گیری آن چشم‌انداز فرهنگی خاص در آن فضا می‌انجامد. بدیهی است ظهور مذهب تشیع در ایران نیز قطعاً از این مقوله مستثنی نیست و بخشی از علل بنیادین ظهور این مذهب در فلات ایران متأثر از بنیادهای طبیعی و انسانی این فضای جغرافیایی است. به‌عبارت بهتر شاخص‌های جغرافیایی طبیعی و انسانی فلات ایران بعد از ظهور اسلام و به‌ویژه پس از ظهور سلسله صفویه به ظهور، قوام و اعتلای مذهب تشیع در این حوزه یاری رسانده است و ویژگی‌های طبیعی و انسانی فلات ایران در قالب پارادایم سیستمی نقش بسیار مهمی در علل ظهور این مذهب در ایران داشته است. در واقع چشم‌اندازهای فرهنگی موجود در ایران از جمله مذهب تشیع تحت‌تأثیر مستقیم عامل فضای جغرافیایی ایران قرار داشته است. به‌عبارتی دیگر، از یک طرف قلمرو جغرافیایی ایران هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ انسانی و فرهنگی هویتی خاصی دارد و با مرزهای مشخص طبیعی و انسانی از فضاها و قلمروهای پیرامون خود جدا و متمایز می‌شود. از طرف دیگر قرار گرفتن در موقعیت گذرگاهی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، ایران را در موقعیت ویژه فرهنگی قرار داده است. چرا که فرهنگ مردم ایران همواره فرهنگی بینابینی بوده است، با هویت مستقل. فرهنگی که همواره سعی در

گرفتن عناصر مطلوب تمامی فرهنگ‌های پیرامون خویش، بازسازی و بومی‌سازی آن و در نهایت، تأثیرگذاری بر فرهنگ‌های پیرامون دارد.

به این ترتیب، نخستین عامل، وضعیت جغرافیایی ایران است که زمینه‌ساز این مساله شده است. در واقع موانع کوهستانی، بیابان‌ها، اقلیم خشک و بیابانی، این گذرگاه را مبدل به فضایی جالب توجه ساخته است. استحکامات طبیعی نظیر بیابانهای صعب‌العبور، رشته کوههای سخت و ... نیز به‌طور طبیعی در ظهور عناصر و خرده فرهنگ‌های جدید نقش به‌سزایی داشته و دارند. به این ترتیب چشم‌اندازهای فرهنگی موجود در ایران از جمله مذهب تشیع تحت تأثیر مستقیم عامل فضای جغرافیایی ایران قرار داشته است. در این راستا توجه به کانون جغرافیایی رسمیت یافتن مذهب تشیع (آذربایجان) نیز به‌خوبی این قاعده را متجلی می‌سازد.

از همان ابتدای ظهور دین اسلام ایران و ایرانیان روح خود را با اسلام سازگار دیده و گم گشته خویش را در اسلام یافتند. آنها اگر چه نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند، اما بیشتر از اینکه در قید و بند ظواهر و ساختار حاکم متوقف شوند، به روح و معنی اسلام توجه کردند. به دلیل همین توجه، روح اسلام و محتوای آنرا را نزد خاندان رسالت یافتند. چرا که فقط خاندان رسالت بودند که پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند. ایرانیان قرن‌ها از این نظر محرومیت کشیده و انتظار رفع آن را داشتند (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار و تسریع‌کننده در این خصوص، قرابت و سنخیت جالب توجه مذهب جدید با آئین قبلی یعنی زرتشت بود. این تشابه و همانندی در آموزه‌هایی مثل عدالت، مفهوم منجی (سوشیانت در باور زرتشتیان)، نبرد خیر و شر در آخرالزمان، اعتقاد به حکومت موروثی، اعتقاد به آسمانی بودن حکومت و نسل نجیب و پارسا در راس فرمانروایی و ... به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، شیعیان اعتقاد دارند که فقط نسل علی بن ابیطالب حق رسیدن به حکومت دارند. در کنار دیگر عوامل ایجادکننده این اعتقاد، صاحب‌نظران باور سستی ایرانیان به ازدواج شهربانو، شهدخت ساسانی با حسین بن علی را در این خصوص بی‌تأثیر نمی‌دانند. به این ترتیب نسل علی علاوه بر اینکه به پیامبر اسلام می‌رسد، از دیگر سو، به خسرو پرویز، آخرین پادشاه ساسانی نیز مربوط می‌شود و بنابراین شایسته حکومتند. وقوع این ازدواج اگر چه به تأیید همه مورخین مسلمان نرسیده است، اما باعث شده که ایرانیان به امام سجاد (پیشوای چهارم) لقب «ابن‌الخیرتین» یعنی پسر دو برگزیده را بدهند و ولایت و خلافت نسل او را برحق بدانند.

با توجه به مستندات تاریخی، ایرانیان تحقیرهای زیادی پس از فتح شدن ایران تحمل کردند. این برای ملتی که در آن روزگار سرآمد بود بسیار سخت بوده است. در این میان مذهب شیعه روزنه امیدی بود. به تدریج تفاهم میان افکار ایرانی و عقاید مخالفان خلفا (اهل بیت) در این امر تأثیر به‌سزایی به جا گذاشت. به این ترتیب می‌توان گفت در مرحله اول زمینه‌های مشترک تمدن ایرانی - زردشتی و مخالفت مشترک ایرانیان و اهل بیت با خلفای اموی سبب پیوند روحی با اهل بیت شد و تمایل آنان به تشیع شد.

در مرحله بعد باید گفت که قتل خلیفه دوم، عمرین خطاب به تشیع در ایران کمک کرد. یک غلام ایرانی خلیفه را به قتل رساند و پس از آن تمام ایرانیان از سوی عربان تحت فشار و شکنجه قرار گرفتند. تنها کسی که از حقوق ایرانیان به صورت عملی و عادلانه دفاع می‌کرد علی‌بن ابی‌طالب بود. این ذهنیت مثبت در سالهای بعد که امام علی^ع به خلافت رسید، تشدید شد و عدالت‌خواهی، عدالت‌جویی و به‌خصوص برابری عرب و ایرانی در رفتار سیاسی او به شیعه شدن ایرانیان کمک قابل توجهی کرد. از طرفی دیگر امام علی مقرر حکومتی خود را به یک شهر اصالتاً ایرانی (کوفه) منتقل کرد. امری که باعث شد نه تنها عده زیادی از مردم کوفه، بلکه مردم تعدادی از شهرهای اطراف مثل بصره نیز به تشیع روی آورند.

به این ترتیب مردم ایران اسلام مورد قبولشان را در کلام و رفتار علی^ع و فرزندان او یافتند. این رویکرد سپس توسط دیگر فرزندان او به‌خصوص آنها که تماس بیشتری با ایرانیان داشتند، از جمله امام رضا^ع در خراسان، حضرت معصومه در قم، احمدبن موسی (شاهچراغ) در شیراز و علمای شیعی در جای جای ایران رشد پیدا کرد و کانون‌های تشیع در ایران پایه‌گذاری شدند. در دوره‌های بعد، چند حکومت ایرانی، به گسترش تشیع در ایران کمک‌های زیادی کردند. علویان طبرستان، آل‌بویه، ایلخان، سربداران و صفویان در بسط و رسمی‌سازی تشیع در ایران نقش مهمی را ایفا کردند.

در این میان تشکیل دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری قمری از رویدادهای مهم تاریخ تشیع است. پیدایش این دولت که باید آن را سر آغاز عصر تازه‌ای در حیات سیاسی و مذهبی ایران دانست موجب استقلال ایران بر اساس مذهب رسمی تشیع شد.

اعلام رسمی مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور توسط شاه‌اسماعیل جغرافیای سیاسی جهان اسلام را برای همیشه تغییر داد، این روند در دوره معاصر با انقلاب اسلامی به صورت

دمکراتیک دنبال شد. در حال حاضر ایران قطب تشیع جهان است؛ چرا که وقتی حیطه جغرافیایی نقشه شیعیان را می‌نگریم، ایران به‌مثابه کانون پخش عمل کرده است و لایه‌های پیرامونی آن شامل اقلیت‌های شیعه در آن به خوبی مشخص و متمایزند.

نهایتاً می‌توان نتیجه گرفت که زمینه‌ها و مؤلفه‌هایی چون انتخاب کوفه به پایتختی حکومت اما علی‌ع، عوارض جغرافیایی مربوطه، اشتراک فکر ایرانیان باستان و آموزه‌های شیعی، قتل خلیفه دوم به دست یک غلام ایرانی، رفتار عادلانه ائمه با موالی و ایرانیان، مهاجرت امام رضا به ایران، شکل‌گیری حکومت‌های شیعی، تأثیر شخصیت‌های ایرانی، حضور اشعری‌ها در قم و فعالیت دانشمندان شیعی مذهب در ظهور و فراگیری مذهب تشیع در ایران نقش داشته است.

Archive of SID

کتابشناسی

۱. ابراهیمی خوجین، محمدتقی (۱۳۹۱)، آزادی و دمکراسی؛ دو گوهر گمشده در چاه نفت ژئوپلیتیک شیعه. مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران؛
۲. احمدی، سید عباس (۱۳۸۹)، نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ. مطالعه موردی: تشیع و ایران. تهران: فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، دوره ۱۷، شماره ۱؛
۳. احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه. تهران: اندیشه‌سازان نور؛
۴. ایزدی، حسن و دبیری، علی اکبر (۱۳۹۱)، ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی جوامع شیعی در جهان اسلام با تاکید بر ایران. مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران؛
۵. آذیر، اسدالله (۱۳۸۵)، «منجی باوری در گات‌های زرتشت: همه سود رساندگی اشاباوران». تهران: نشریه نامه حکمت؛
۶. آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی». تهران: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۴؛
۷. بارتلد، واسیلی ولادیمیر (۱۳۸۳)، فرهنگ و تمدن اسلامی. ترجمه عباس به‌نژاد. ویراسته مرتضی اسعدی. تهران: انتشارات امیرکبیر؛ چاپ و نشر بین الملل؛
۸. ترجمه مهدی ابوطالبی، محمدرضا امین و حسن شکرالهی. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی؛
۹. تولایی، نسرين (۱۳۸۲)، «نقش مذهب در شکل‌گیری فضای جغرافیایی». مشهد: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. تابستان ۱۳۸۲، شماره ۶۹؛
۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۷۵)، تاریخ تشیع در ایران. قم: انصاریان؛
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، اطلس شیعه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛
۱۲. حقوقی، عسکر (۱۳۵۳)، مذهب تشیع و آرمان‌های ملی ایرانیان. تهران: نقش جهان؛
۱۳. خضری، سید احمدرضا و دیگران (۱۳۸۴)، تاریخ تشیع، جلد اول؛ دوره حضور امامان معصوم. تهران: انتشارات سمت و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
۱۴. رضایی، محمد (۱۳۸۵)، تاریخ تشیع در آذربایجان. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی؛
۱۵. روضاتی، محمدعلی (۱۳۳۵)، جامع‌الانساب. اصفهان: جاوید؛
۱۶. زنده‌دل، حسن و دستیاران (۱۳۷۹)، استان قم. تهران: نشر ایرانگردان؛
۱۷. شریعتی، علی (۱۳۵۱)، شیعه. دفتر تدوین و انتشار مجموعه آثار شهید دکتر علی شریعتی در اروپا؛

۱۸. شکویی، حسین (۱۳۶۴)، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی. مشهد: آستان قدس رضوی؛
۱۹. شیخ صدوق، محمدبن علی بن الحسین ابن بابویه (بی تا). عیون اخبار الرضا. تهران: اعلمی؛
۲۰. شیرخانی، علی (۱۳۸۲)، تشیع و روند گسترش آن در ایران. تهران: معارف؛
۲۱. فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷)، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر؛
۲۲. قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، تاریخ قم. تهران: انتشارات توس؛
۲۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: سمت؛
۲۴. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۱)، ایرانیان مسلمان صدر اسلام و سیر تشیع در ایران. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا؛
۲۶. نجفی، م (۱۳۸۵)، تکوین هویت ملی ایرانیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛
۲۷. نیومن، آندرو جی (۱۳۸۶)، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد؛
۲۸. واصف، محمد جعفر (۱۳۸۹)، چرا ایرانیان شیعه شدند. قم: واصف لاهیجی؛
۲۹. یعقوبی، ابن واضح (بی تا). تاریخ یعقوبی، ج ۱ بیروت: دار صادر؛
30. Lommel Herman, (1930), Die Religion Zarathustras nach dem Avesta dargestellt, J. C. B. Mohr (Paul Siebeck), Tubingen;
31. Moulton James H., (1972), Early Zoroastrianism: The Origins, The Prophet, The Magi, Philo Press, Amesterdam;
32. Pavry Jal Dastur Cursetji, (1965), The Zoroastrian Doctrine of a Future Life, second edition, Ams Press INC., New York;
33. Roger. W (2000), Boundaries of faith geographical perspectives on religious fundamentalism.